

مقدمه ای بر محله اسلامی

حجت الاسلام نخواستی

یکی از شخصیت‌هایی که در سال‌های اخیر به واسطه تسلطش بر قرآن و همچنین برداشت‌های ناب و عمیق عرفانی و سلوکی از آیات و روایات و نیز نظریات اجتهادی در تفسیر قرآن کریم، در حوزه علمیه مشهد و همچنین جامعه دانشگاهی و مجامع فرهنگی اجتماعی مورد توجه بسیاری از نخبگان و فضلا و اساتید قرار گرفته است، روحانی جوان و متواضعی است که عمده فعالیت‌های خود را در سال‌های اخیر متمرکز بر امر تحقیق و پژوهش کرده است. حجت‌الاسلام و المسلمین دکتر مهدی نخواستی، مدیر مؤسسه در راه حق، مفسر، محقق و پژوهشگر علوم قرآنی است که با ایشان مصاحبه‌ای کوتاه در خصوص ویژگی‌های یک محله مطلوب از منظر دینی داشته‌ایم.

همسایه قبل از متراژ!

محلات به مثابه فضایی که افراد و خانواده‌ها در آن زندگی می‌کنند، تأثیرات نامحسوسی بر ابعاد مادی و معنوی ایشان می‌گذارد، حتی اگر ساکنین محله با هم ارتباط نداشته باشند. به عنوان مثال در محله‌ای که فعالیت دینی و اجتماعی افراد مذهبی پررنگ است، این نوعی فشار اجتماعی ایجاد می‌کند که ساکنین هم تحت تأثیر آن قرار می‌گیرند. هرچقدر این انسجام محلی و ارتباطات وثیق انسانی بیشتر باشد، تأثیرگذاری آن نیز قوی‌تر و پررنگ‌تر خواهد بود. البته این انسجام می‌تواند در جهات معنوی و دینی باشد یا در ابعاد غیردینی و غیراخلاقی. شاید به همین خاطر باشد که امیرالمؤمنین در نهج‌البلاغه می‌فرماید: «سَلَّ عَنْ الرَّفِيقِ قَبْلَ الطَّرِيقِ وَ عَنْ الْجَارِ قَبْلَ الدَّارِ». قبل از اینکه پیگیر ویژگی‌های خانه و متراژ و کیفیت بنا و... باشیم بایستی از همسایه‌ها و محله مطمئن شویم؛ چراکه اینها در تعیین مسیر زندگی انسان، دخیل هستند.

مانند مادر

یکی از زمینه‌های شکل‌گیری انسجام دینی محله این است که همسایه را مانند خانواده درجه یک خود بدانیم. امیرالمؤمنین(ع) می‌فرماید پیامبر اکرم(ص) آن‌قدر در خصوص همسایه به ما سفارش و تأکید کردند که گمان کردیم همسایه از همسایه ارث می‌برد. خب معنی اینکه ارث می‌برد یعنی چه؟ یعنی پیامبر اکرم تأکید کردند نسبت به همسایه مثل برادر، خواهر، پدر، مادر، فرزند و همسر خود بایستی اهتمام داشته باشیم. چه اینکه وراثت یک فرد، همین خانواده درجه یک او هستند. در حدیث دیگری امام(ع) می‌فرماید: «حَرَمُ الْجَارِ عَلَى الْجَارِ كَحَرَمِ امَةٍ»؛ حرمت همسایه، همانند حرمت مادر است. بنابراین همسایگان همان خانواده دینی ما هستند و وقتی با این نگاه به یکدیگر بنگرند، آن وقت است که انسجام محلی شکل می‌گیرد.

حق داریم!

جهت دیگر اهمیت محله و همسایگان در نگاه دینی، جهت تکوینی است. اساساً همجواری انسان‌ها برای آن‌ها «حق» ایجاد می‌کند و هر چقدر دایره قرابت آن بیشتر باشد، حقی که ایجاد می‌شود بیشتر است. مثلاً الان عده‌ای مظلومانه در میانمار کشته می‌شوند- حتی اگر مسلمان نباشند- اینجا حقی بر گردن ماست که به هر طریقی که می‌توانیم کمک کنیم و اگر هیچ کاری از دستان بر نمی‌آید، برای آنها دعا کنیم. اینکه در دعای شریف می‌خوانیم «اللَّهُمَّ فَرِّجْ عَنْ كُلِّ مَكْرُوبٍ، اللَّهُمَّ رُدِّ كُلَّ غَرِيبٍ، اللَّهُمَّ فَكِّ كُلِّ أَسِيرٍ» به خاطر همان حقی است که نسبت به اینها بر گردن ماست. نمی‌گوییم خدایا رفتاری مسلمانان را برطرف کن، بلکه می‌گوییم رفتاری هر گرفتار را. حالا هر چقدر نزدیکی انسان‌ها به ما بیشتر شود، از جهت دینی، مکانی و پیوند قوم و خویشی، حق او بر گردن ما بیشتر و سنگین‌تر می‌شود.

محوریت مسجد

بیان ویژگی‌ها و چارچوب یک محله مطلوب اسلامی و دینی، نیاز به کار پژوهشی و تحقیقاتی در منابع و معارف دارد، اما به اجمال می‌توان گفت یکی از ویژگی‌های چنین محله‌ای آن است که با محوریت مسجدی فعال و اثرگذار باشد تا معارف دینی و معنوی از آن مسجد به محله سرازیر شود و همچنین مسجد، مرکز خدمات اجتماعی محله باشد. مسئله دیگر، استقلال نسبی محلات در ابعاد مادی و معنوی است. معنوی که مانند همان مساجد، هیئات و سایر مجموعه‌های دینی و معرفتی؛ از نظر مادی نیز منظور تأمین مایحتاج ضروری زندگی، کسب و کار و امثالهم است. یعنی به صورت عرفی فرد بتواند نیازهای ضروری زندگی‌اش را - از خریدهای روزمره، کسب و کار، رتق و فتق امور و غیره - در همان محله خودش تأمین کند. این بیماری و مرضی که امروز در شهرهای کلان ایران با آن مواجه هستیم و فرد برای تأمین نیازهای زندگی‌اش یا برای کار و کسب درآمد بایستی از این طرف شهر به آن طرف برود، خود ریشه آسیب‌های بعدی بسیاری است. وقتی به صورت عرفی، محلات استقلال داشته باشند اولاً انسجام محلی شکل می‌گیرد، ثانیاً مراکز خرید و توزیع اقتصادی متعادل می‌شود و ثالثاً توزیع ثروت عادلانه می‌شود، رابعاً در عمر افراد - که سرمایه ارزشمند زندگی هر فرد است - صرفه‌جویی قابل توجهی می‌شود. تصور کنید فردی مجبور باشد یک‌پنجم عمر مفیدش - دقت کنید عمر مفید و نه زمان‌های مرده - را در رفت‌وآمد باشد؛ فرض کنید این مقدار ۲ ساعت باشد - که در شهرهای بزرگ خیلی بیشتر از این است - و ۳۰ میلیون نفر درگیر این بحث باشند - که باز تعداد آن خیلی بیشتر از اینهاست - در این فرض، مجموعاً ۶۰ میلیون ساعت از عمر «مفید» افراد در رفت‌وآمد است! اگر این زمان احیا شود و انسان فقط کنار خانواده‌اش باشد ببینید چه برکاتی نصیب جامعه می‌شود! بنابراین اینکه الگوی زندگی اجتماعی به گونه‌ای اصلاح شود و شکل بگیرد که انسان‌ها در محله خودشان، یا نزدیک به محله‌شان، به کسب و کار بپردازند، حوائجشان را تهیه کنند و... این امر، نتایج بابرکتی برای جامعه، خواهد داشت و شاید گامی باشد برای اصلاح الگوی نامتوازن فعلی که باعث عدم رشد متناسب و متوازن محلات و شکل‌گیری بالاشهر- پایین شهر شده است.